

معرفی و نقد کتاب

## گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی

(تألیف مسعود کوهستانی نژاد)\*

علی حیدر دارایی نیا

کارشناس ارشد تاریخ

ناشر: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.  
صفحه ۶۲۰

### درآمد

تاکنون در پژوهش‌های مربوط به عصر مشروطیت، نگاه اغلب پژوهش‌گران، به پایتخت و مرکز معطوف بوده است، حال آنکه بررسی تحولات مربوط به این عصر، بدون توجه به اوضاع ایالات و ولایات تابعه و بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه انجمن‌های مربوط، ناقص به نظر می‌رسد.

در میان درخواست‌های مشروطه‌خواهان از دولت مظفردالدین شاه، سخنی از برپایی انجمن‌های محلی دیده نمی‌شود، تا اینکه در قانون انتخابات مجلس شورای ملی که در نخستین روزهای پس از مشروطه به وسیله حزب سوسیال دموکرات و جمعی از نخبگان سیاسی نوشته شد، برای آنکه انتخابات مجلس شورای ملی از نفوذ دربار و حکام وابسته به آن‌ها به دور بماند، مقرر گردید هیئت ناظری متشکل از طبقات شش‌گانه<sup>۱</sup> و زیر نظر حاکم شهر تشکیل گردد تا کار انتخابات مجلس را انجام دهد. اما این تنها زمینه شکل‌گیری انجمن‌های ایالتی و ولایتی نبود، چراکه در اولین جلسه انجمن محلی تبریز، که دو ماه و نیم بعد از اعطای مشروطیت توسط جمعی از علما، طلاب و تجار تشکیل گردید، مقرر شد که دو مجلس جداگانه تشکیل گردد؛ ابتدا مجلسی متشکل از چند تن از علما و بیست تن از تجار، و مجلس دوم که همان انجمن نظارت بر انتخابات بود که از طبقات شش‌گانه شهری تشکیل می‌یافت؛ این دو مجلس، موظف بودند کار انتخابات مجلس شورای ملی را بر عهده گرفته و بر آن نظارت کنند. در اصفهان نیز برپایی مجلس محلی، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مشروطه‌طلبان بوده است.<sup>۲</sup>

\* تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۲

۱. طبقات شش‌گانه، شامل شاهزادگان قاجاریه، علما و طلاب، اشراف، ملاکین و فلاحین، تجار و اصناف بود.

۲. آبادیان، حسین، بحران مشروطیت در ایران (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳)؛ ص ۲۳۱.

## گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی

مسعود کوهستانی‌نژاد از پژوهشگران متخصص و آگاه در حوزه اسناد است که سالیان متمادی در حوزه‌های تاریخ، علوم سیاسی، هنر، علوم اجتماعی، ادبیات، و مطبوعات به خلق آثار فراوانی پرداخته است. گزیده‌ای از اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی نیز یکی دیگر از این آثار می‌باشد. وی برای نخستین بار این مجموعه را از اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی انتخاب و گردآوری کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه ۲۸ صفحه‌ای و تعداد ۱۷۹ نسخه گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی است. نویسنده در این کتاب ابتدا به منشأ پیدایش انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شکل‌گیری و چگونگی شروع به کار آن‌ها اشاره کرده و سپس به موضوع انتخابات انجمن‌ها، بودجه انجمن‌ها، رابطه انجمن‌ها با مجلس شورای ملی و وزارت داخله، کارکرد انجمن‌ها از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و نیز عدلیه و امور قضایی، مسائل امنیتی و سیاسی و برخورد با اشرار پرداخته و در ادامه به رابطه این انجمن‌ها با مردم محلی، انجمن‌های ایالات و ولایات دیگر، اداره‌های مرکزی و دوایر محلی، رابطه علما و روحانیون با انجمن‌های ایالتی و ولایتی و همچنین رابطه این انجمن‌ها با اقلیت‌های دینی و مذهبی می‌پردازد و پس از آن، گزیده‌ای از اسناد ایالت‌ها و ولایات سراسر کشور را گردآوری نموده و به ترتیب ایالات و ولایات تابعه در کتاب درج نموده است.

پیش‌گفتار این اثر را رسول جعفریان، رئیس وقت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگاشته است؛ وی در این پیش‌گفتار عنوان می‌کند:

یکی از نتایج و ثمره‌های ایجاد شده پس از انقلاب مشروطه که ابتدا به صورت خودجوش به وجود آمد و بعدها شکل قانونی پیدا کرد، انجمن‌های ولایتی بود که ابتدا در تبریز و اصفهان و سپس در تمامی شهرهای بزرگ و کوچک سراسر کشور به وجود آمد تا همانند یک شورای محلی عمل کنند. این شوراهای محلی یا آنچه به نام «انجمن‌های ولایتی» خوانده می‌شد، تحقق بخشی از پیام مشروطه برای گرداندن چرخه و محور قدرت از استبداد حاکمان قاجاری به توده مردم بود. کار اصلی شوراها در درجه نخست، برگزاری انتخابات و نظارت درست بر صحت و سقم آن‌ها و سپس عمل کردن به عنوان یک شورای محلی در حل و فصل مسائل محلی بود. نشریه انجمن‌های اصفهان و تبریز، مستند مهمی برای ارزیابی نقش و حوزه فعالیت آن‌هاست و هر دو نشریه در سال‌های اخیر به چاپ رسیده است.

وی معتقد است که این انجمن‌ها در اصل باید نقش نوعی مجلس محلی را بازی می‌کردند و نقش مشروطه را به معنای مشارکت در بخش‌های کوچک‌تر جامعه نیز محقق می‌ساختند اما متأسفانه ناآگاهی، توقعات بی‌جا، دخالت عناصر خودخواه و فرصت‌طلب و بسیاری از مسائل دیگر، بخشی از انجمن‌ها را چنان به افراط کشانید که حتی برخی از رهبران محلی مشروطه‌خواه را از مشروطه بیزار کرد تا به طرفداری از مشروطه مشروعه روی آوردند و بعدها در آثار خود، بارها از آن نالیدند و از هرج و مرج پدید آمده، اظهار تنفر کردند.

نویسنده در مقدمه کتاب، منشأ پیدایش انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مربوط به زمان برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی در شعبان ۱۳۲۴ هـ.ق، می‌داند. در این زمان، مشروطه‌خواهان و روشنفکران، انجمن‌هایی برای نظارت بر حسن جریان انتخابات تشکیل دادند و پس از برگزیدن نمایندگان

انجمن‌های مزبور بنا به مصالح ملی به کار خود ادامه دادند و با انتخابات انجمن‌های ملی، به حراست و حفاظت از دستاوردهای مشروطیت پرداختند. انجمن‌های ملی به تدریج فعالیت خود را گسترش داده و به‌گونه‌ای کلیه امور محلی تحت نظارت خود را به دست گرفتند.

استقبال مردم، مشروطه‌خواهان، دولت مرکزی و مجلس شورای ملی از چنین روندی، سبب ابقای انجمن و تبدیل نهایی آن‌ها به انجمن‌های ایالتی و ولایتی گردید.

بنابراین می‌توان گفت که هشت ماه قبل از تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مجلس شورای ملی در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ.ق، انجمن‌های مزبور تشکیل شده و فعالیت خود را آغاز کرده بودند و در واقع، تصویب این قانون در مجلس، تنها فعالیت انجمن‌ها را رسمیت بیشتری بخشیده و محدوده اقدامات و اختیارات آن‌ها را مشخص می‌ساخت.

پس از آن، اصل متمم قانون اساسی نیز مهر تأییدی بر ابقای انجمن‌ها در ساختار حکومتی ترسیم شده توسط مدافعین متمم قانون اساسی نهاده و انجمن‌ها به‌نوعی به شعبه‌های مجلس در ایالات و ولایات تبدیل گردیده و از تمامی ارگان‌ها و دستگاه‌های اجرایی محلی، بالاتر به شمار می‌رفتند. انجمن ایالتی آذربایجان به مراتب نقش بارزتری را ایفا می‌کرد تا آن‌جا که انجمن آذربایجان را می‌توان به نوعی دومین مجلس ایران به حساب آورد.

به دنبال انهدام نخستین مجلس شورای ملی توسط نیروی قزاق در سال ۱۳۲۶ هـ.ق، فرمان توقف فعالیت انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از سوی محمدعلی شاه صادر گردید. برخلاف فعالیت گسترده انجمن‌های مزبور، متأسفانه به دلیل نابودی اسناد نخستین دوره مجلس شورای ملی، از فعالیت آن‌ها به جز چند سند از انجمن ایالتی تبریز، سند دیگری باقی نمانده است. با انهدام نخستین دوره مجلس شورای ملی، فعالیت انجمن‌ها نیز متوقف گردید اما انجمن ایالتی آذربایجان به کار خود ادامه داد و در کنار مجاهدان تبریزی به جنگ با سپاهیان دولتی پرداخت. با پیشروی قوای مجاهدین از تبریز به سوی تهران، در شهرهای به تصرف درآمده، در مدت زمان کوتاهی انجمن‌های ایالتی و ولایتی دوباره توسط ایشان و مشروطه‌خواهان تشکیل می‌شد. تشکیل دوباره این انجمن‌ها به اندازه‌ای تعیین کننده بود که قبل از تصرف تهران، متن پیش‌نویس دومین قانون انتخاباتی، جهت اعلام نظر به این انجمن‌ها داده شده بود و آن‌ها نیز وکالت خود را به انجمن آذربایجان داده و آن انجمن نیز تلگرافی آن را تأیید کرده بود.

با سقوط دولت محمدعلی شاه در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هـ.ق، و استقرار دولت مشروطه، راه برای تشکیل انجمن‌ها در شهرهای سراسر کشور هموار گردید. در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی عنوان شده بود که انجمن ایالتی در مرکز ایالت و انجمن ولایتی در شهر حاکم‌نشین ولایت، برقرار خواهد گردید و هر ولایت تنها حق داشتن یک انجمن ولایتی را دارد. البته در سراسر کشور، برخی از شهرهای یک ولایت، خواهان انجمن‌های ولایتی جداگانه برای شهر خود بودند؛ از جمله در گیلان انجمن ولایتی گیلان خود را انجمن ایالتی نامید و خواهان انجمن ولایتی برای شهرهای لاهیجان، لنگرود و بندر انزلی شد. سرانجام وزارت داخله پس از تأیید مجلس شورای ملی عنوان کرد که انجمن‌ها باید فقط در محل حاکم‌نشین تشکیل گردد.

زمانی که انجمن‌های غیرقانونی برچیده شدند، همین موجب اعتراض مردم و نمایندگان شهرهای مزبور در مجلس شورای ملی گردید.

نویسنده در ادامه به موضوع انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌پردازد و عنوان می‌کند که قانون انجمن‌ها به صورت مفصل و دقیق، شیوه انتخاب اعضا انجمن‌ها را بازگو نموده و اشاره می‌کند که اعضای انجمن‌ها باید بدون واسطه و توسط مردم انتخاب می‌شدند. قانون انجمن‌ها در خصوص حضور نماینده‌ای از بلوکات و قراء در انجمن‌های ولایتی تأکید دارد اما در کل قانون، اشاره‌ای به حضور نماینده ایلات و عشایر محلی در انجمن‌های مزبور نشده است. البته در نمونه‌ای بسیار قابل توجه، نماینده ایل یموت در انجمن ولایتی استرآباد حضور یافته و حتی انجمن به دلیل اهمیت موضوع، خواهان پرداخت حقوق به نماینده این ایل می‌شود.

مدت اخذ رأی در انتخابات انجمن‌ها ۱۰ ساعت بوده و دادن رأی بایستی به صورت مخفیانه صورت می‌گرفت؛ به شکلی که رأی‌دهنده باید قبل از ورود به محل اخذ رأی، اسامی افراد مورد حمایت خود را بر روی کاغذ سفیدی نوشته و همراه با خود می‌آورد. در بلوک‌های مختلف، افراد هر قریه یک نفر را انتخاب می‌کردند و منتخبین قریه‌های یک بلوک در مرکز بلوک جمع شده و همراه با یک نفر منتخب آن‌جا، مجموعاً یک نفر را با اکثریت آراء انتخاب و به انجمن ولایتی روانه می‌نمودند. البته در برخی بلوک‌ها از جمله در کاشان، انتخابات اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، برخلاف قانون و بر اساس انتخابات صنفی برگزار می‌شد.

نویسنده در ادامه به مسئله بودجه انجمن‌های ایالتی و ولایتی پرداخته و یکی از مهم‌ترین مشکلات انجمن‌ها را عدم تعیین بودجه‌ای مستمر از سوی دولت مرکزی برای آن‌ها می‌داند. علاوه بر این، به دلیل وضعیت دشوار آن زمان، میزان توقع ادارات دولتی و مجلس شورای ملی از انجمن‌ها بسیار بیشتر از محدوده قانونی اختیارات انجمن‌ها بود و سرانجام هیچ‌گاه تکلیف این موضوع مشخص نشد و اعضای انجمن‌ها بیشتر، از درآمد شخصی خود استفاده می‌کردند. البته به جز ایالت آذربایجان که دارای درآمد تعیین شده بود، بقیه انجمن‌ها حتی تلگراف آن‌ها نیز به صورت مجانی صورت نمی‌گرفت.

نویسنده در ادامه، رابطه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را با مجلس شورای ملی یک رابطه تنگاتنگ توصیف می‌کند، تا آن‌جا که انجمن‌ها شأن خود را در حد یک مجلس محلی می‌دانستند و بدین لحاظ خود را جزو مجلس شورای ملی قلمداد می‌کردند. تمام مکاتبات انجمن‌ها با مجلس صورت می‌گرفت و از سوی مجلس به وزارت‌خانه‌ها و به خصوص وزارت داخله ارجاع داده می‌شد.

مهم‌ترین موضوع در رابطه بین انجمن‌ها و مجلس شورای ملی، بحث انتخابات نمایندگان دوره دوم و دخالت در انتخابات این دوره مجلس بود. دخالت انجمن‌ها تا حدی گسترش یافت که آن‌ها بدون توجه به مفاد قانون انتخابات مجلس دوم شورای ملی، با تمسک به بحرانی بودن شرایط سیاسی و اجتماعی کشور فقط مفاد قانون صنفی انتخابات را رعایت کرده و در مواردی اساساً خود به انتخاب نماینده حوزه خویش می‌پرداختند؛ از جمله در انجمن همدان که مردم عموماً سیدعبدالرحیم خلخالی را بدون انتخابات برگزیده و با تلگراف، انتخاب وی را به تهران اعلام می‌کردند.

نویسنده در بخش کارکرد انجمن‌های ایالتی و ولایتی عنوان می‌کند که این انجمن‌ها از ابتدای پیدایش زمان برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی در شعبان ۱۳۲۴ تا محرم ۱۳۳۰ قمری که پایان دوره دوم مجلس بود، فعالیت گسترده و متنوعی داشتند تا آنجا که تمامی مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ولایات و ایالات به نوعی با انجمن‌ها در ارتباط بوده است.

اسناد باقی‌مانده از فعالیت انجمن‌ها، مربوط به دوره دوم مجلس یا به طور دقیق شعبان ۱۳۲۷ قمری تا ذی‌حجه ۱۳۲۹ قمری و حاکی از بخش‌ناچیزی از فعالیت شش‌ساله انجمن‌هاست.

انجمن‌ها در ارتباط با مسائل اقتصادی، مسائل امنیتی، برخورد با اشرار، امور سیاسی، عدلیه و قضایی، تکاپوی مستمری پیرامون انعکاس شکایات اهالی، اجحاف و ظلم و ستم مأمورین دولتی و تعدیات مأمورین مالیه و گزارش این امور به مرکز کشور، نقش اساسی ایفا می‌کردند. وضعیت تأمین غله شهر، ایالت یا ولایت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انجمن‌ها بوده که در همین رابطه، مکاتبات و تلگراف‌های متعددی با مقامات مرکزی و مجلس انجام شده است. مسائل فرهنگی نیز یکی دیگر از موضوعات مورد توجه انجمن‌ها بود. تأسیس مدارس، موقوفات و دیگر موضوعات مشابه نیز در این چارچوب قرار داشت.

رابطه انجمن‌ها با عدلیه کمی پیچیده‌تر و دردسرسازتر بود. به دلیل عدم شکل‌گیری محاکم و ادارات عدلیه در ایالات و ادارات، اداره امور مربوط به امور عدلیه در چارچوب وظایف انجمن‌ها قرار گرفت. متقابلاً دیوانخانه عدلیه و محکمه‌ها زمانی احکام انجمن‌های ایالتی و ولایتی را قبول داشتند که حکم آن‌ها طبق قانون بوده باشد.

انجمن‌ها در مورد مسائل تأمینی و برخورد با اشرار در هرج و مرج ناشی از انقلاب مشروطیت نیز فعالیت داشتند؛ اشرار و سرکشان محلی در ایل و طایفه خویش و در هر کنار و گوشه‌ای، علم طغیان برمی‌افراشتند. انجمن‌های ایالتی و ولایتی به طور مستقیم با آن‌ها مواجه می‌شدند و به علت فقدان نیروی نظامی و قشون تحت امر برای حفظ امنیت و جلوگیری از غارت و کشتار اشرار، انجمن‌ها به کرار با مجلس و وزراء در این مورد مکاتبه کرده و از نبود و یا کمبود قشون و نیروی نظامی در ایالت و ولایات شکایت می‌کردند و خواهان تشکیل قشونی تحت نظر انجمن‌ها بودند. اما به علت ضعف دولت مرکزی در تهران و مشکلات ایجاد شده در مرکز، پاسخی به درخواست انجمن‌ها داده نشد و این مشکل تا پایان عمر انجمن‌ها همچنان ادامه داشت.

انجمن‌ها طبق قانون، حق دخالت در امور سیاسی کشور را نداشتند اما بر خلاف قانون، انجمن‌ها با ارسال تلگراف به تهران نسبت به مسائل سیاسی کشور، اعلام پشتیبانی و یا مخالفت می‌کردند. بیشترین دخالت را انجمن ایالتی آذربایجان انجام می‌داد. مقابله با حرکت‌های مستبدین علیه مجلس شورای ملی نیز یکی دیگر از فعالیت‌های انجمن‌ها به شمار می‌رفت. انجمن‌ها تلاش می‌کردند با کسب اخبار و اطلاعات دقیق از فعالیت مخالفان مشروطه، به سرعت، مقامات مرکزی را مطلع سازند؛ به طور مثال در استرآباد، انجمن ولایتی این شهر نقش کلیدی را در گردآوری قشون برای مقابله با یکی از دسته‌های طرفدار محمدعلی شاه ایفا کرد.

حمایت از رجال سیاسی یا مخالفت با آنها نیز از دیگر اشتغالات سیاسی انجمن‌ها به شمار می‌رفت. از موارد عملکرد اشتباه و ضدمشروطه انجمن‌ها می‌توان حمایت انجمن ایالتی تبریز از انتصاب عین‌الدوله به والی‌گری آذربایجان و تأکید انجمن بر سرعت بخشیدن در حرکت وی به تبریز در سال ۱۳۲۹ قمری را ذکر کرد. در مورد دخالت‌های سیاست خارجی می‌توان به اعتراض و مخالفت انجمن‌ها با دخالت و اقدامات خارجی‌ان به ویژه روس و انگلیس در ایران اشاره نمود.

نویسنده در ادامه کتاب به روابط انجمن‌ها با مردم، دوایر محلی، ادارات مرکزی و دولتی، علما و روحانیون، اقلیت‌های مذهبی و همچنین رابطه با سایر انجمن‌ها می‌پردازد. انجمن‌ها متعلق به مردم بوده و خود را نماینده مردم دانسته و همواره در مکاتبه‌های خود با دوایر دولتی و مرکزی برآن تأکید می‌کردند. مکان انجمن‌ها همواره محل اجتماعات و تحصن‌های مردم بود تا آن‌جا که انجمن‌ها به تشکیل انجمن‌های محلی مرکب از نمایندگان اداره‌های دولتی و رؤسای انجمن‌ها برای رسیدگی به شکایت‌های مردم دست می‌زدند.

به لحاظ قانونی انجمن‌های ولایتی تابعه باید نظرات و مسائل خود را به انجمن ایالتی مربوطه منعکس ساخته و از ارتباط مستقیم با ادارات مرکزی در تهران پرهیز می‌کردند. ارتباط انجمن‌ها با دوایر و اداره‌های محلی، پویا و فعال بود. شمامت و تقدیر از اداره‌های محلی و دولتی، بخشی از فعالیت آن‌ها به شمار می‌رفت و بارها انجمن‌ها اقدامات و فعالیت‌های فلان رئیس اداره را به مرکز، تلگراف کرده و خواهان تقدیر یا توبیخ وی شده‌اند.

روابط با علما و روحانیون از دیگر فعالیت‌های مهم انجمن‌های ایالتی و ولایتی به شمار می‌رفت؛ به گواهی اسناد حاضر، روحانیون و مجتهدین به طور فعالانه‌ای در انجمن‌ها شرکت کرده و حتی در پاره‌ای از انجمن‌ها، از جمله در بروجرد به طور کلی این انجمن‌ها تحت کنترل مجتهدین بود. علاوه بر آن، رسیدگی به شکایات و یا درخواست‌های مجتهدان ایالات و ولایات، به انجمن‌ها ارجاع داده می‌شد. البته اختلافاتی نیز میان ایشان و روحانیون محلی وجود داشت که منجر به شکایت مجتهدین از انجمن‌های مذکور می‌گردید. در مورد روابط انجمن‌ها با اقلیت‌های مذهبی کشور می‌توان گفت که از ابتدای شروع به کار انجمن‌های ایالتی و ولایتی، این اقلیت‌ها خواهان شرکت نمایندگان خود در این انجمن‌ها بودند. برخورد و رفتار وزارت داخله و مجلس شورای ملی با تقاضاهای مزبور، برخوردی دوگانه و تبعیض‌آمیز بود و در جواب آن‌ها، عنوان می‌شد که «در انتخابات این دوره در حال پی‌گیری هستیم و در دوره بعدی ترتیب اثر داده خواهد شد!» به‌طورکلی برخورد مجلس با موضوع مشارکت اقلیت‌های مذهبی در انجمن‌ها، نه از باب قانون بلکه با ملاحظات محلی و سیاسی انجام می‌گرفت؛ به عنوان مثال، کمیسیون داخله مجلس با درخواست احزاب ارامنه و زردشتیان برای عضویت در انجمن ولایتی موافقت کرده اما به درخواست اقلیت یهودیان جواب منفی داد.

پس از پایان دوره دوم مجلس شورای ملی، بار دیگر در سال ۱۳۳۳ ه.ق. دو تقاضا از کرمان و کردستان برای تشکیل مجدد انجمن‌های ایالتی و ولایتی به مجلس ارائه شد که باز هم با پاسخ منفی مجلس و عدم توجه روبه‌رو گردید و سرانجام، مجلس پاسخ منفی به درخواست تمام اقلیت‌های مذهبی را صادر نمود.

در نهایت می‌توان چنین عنوان کرد که انجمن‌های ایالتی و ولایتی یادگاری از انقلاب مشروطه بود که برخلاف حجم وسیع اختیارات آن‌ها و نیز فقدان قدرت دولت مرکزی، طبق اسناد، هیچ‌گاه و حتی در یک مورد نیز نمی‌توان مشاهده کرد که یکی از این انجمن‌ها برخلاف سیاست دولت مرکزی عمل کرده و یا اندیشه استقلال از حکومت مرکزی داشته باشد و همیشه همسو با اهداف دولت مرکزی گام برداشته است.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی، محصولی از توسعه فرهنگی کشور و تجلی شعارهایی بود که در انقلاب مشروطه در زمینه حقوق سیاسی آحاد مردم مطرح شده بودند. این انجمن‌ها الگویی برای توزیع قدرت سیاسی و اداری در بین ایالات، ولایات و استان‌های کشور به شمار می‌آمدند.

### ارزیابی کتاب

از جمله نقاط قوت این کتاب می‌توان به این نکته اشاره کرد که مؤلف محترم جهت کمک بیشتر به خوانندگان در فهم درست و صحیح اسناد ارائه شده، با استفاده از «{ }»، مطالبی را یادآور شده و به تصحیح مواردی نیز اقدام نموده است. نویسنده در پاورقی به ذکر آدرس مطالب مورد استفاده به صورت واضح و کامل پرداخته و هیچ مطلب مهمی را بدون ارجاع در پاورقی رها نکرده است.

نویسنده در فهرست مطالب، فهرست اسناد ارائه شده را که دربردارنده تاریخ سند، شماره صفحه و موضوع سند می‌باشد، به صورت کامل آورده است و با این روش، خواننده را در مرور کلی اسناد این مجموعه یاری می‌رساند. به علاوه، ترتیب و شماره‌گذاری اسناد به صورتی آمده است که همه اسناد یک ایالت به همراه ولایات تابعه، ارائه شده و نکته شایان توجه این است که مؤلف ضمن ارائه یک سند از سوی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، پاسخ مجلس، وزارت داخله و وزارتخانه‌های دیگر را با شماره فرعی ذیل همان شماره اصلی ذکر کرده است که با این کار، به خواننده در فهم هرچه بیشتر ارتباط این دستگاه‌ها با یکدیگر کمک شایان می‌نماید.

نویسنده در مقدمه به ذکر اسناد مهمی از فعالیت انجمن‌ها در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و برخورد با اشرار، رابطه با علما، تجار، دوایر محلی و دولتی، رابطه با سایر انجمن‌ها و اقلیت‌های مذهبی پرداخته و پس از شرح هر قسمت، به ذکر اسناد مرتبط با آن موضوع مبادرت نموده که با این شیوه، خواننده را در فهم بیشتر موضوع، راهنمایی می‌کند.

نحوه ترتیب و توالی اسناد مورد استفاده توسط نویسنده به خوبی و با مهارت کافی رعایت شده است؛ به نحوی که نویسنده ابتدا اسنادی از ایالتی خاص را ارائه کرده و سپس به ذکر اسناد ولایات تابعه آن ایالت پرداخته است و همه اسناد به کار رفته را با اسم ایالت یا ولایت مربوطه مشخص نموده است.

در عین حال، غالب اسناد ارائه شده توسط مؤلف محترم، به صورت واضح و کاملاً مشخص، گویاسازی نشده است. نویسنده می‌توانست املاهای برخی از کلمه‌های موجود در اسناد را به صورت صحیح و رایج امروزی درآورده و معانی برخی واژه‌ها را در پاورقی هر صفحه ذکر نماید.

در اکثر اسناد مورد استفاده توسط نویسندگان، از اسامی بروج دوازده‌گانه (عقرب، حوت، حمل و...)، استفاده شده است؛ شایسته بود مؤلف محترم، جدولی برای تبدیل ماه‌های نام‌گذاری شده با اسامی بروج دوازده‌گانه قمری و شمسی ارائه می‌داد تا خواننده در تطبیق زمانی اسناد با مشکل مواجه نشود.

اسامی مکان‌ها و اشخاصی که در اسناد گزیده انجمن‌های ایالتی و ولایتی وارد شد، ممکن است برای خواننده نامفهوم و ناآشنا به نظر آید، بنابراین شایسته بود که در حاشیه یا پاورقی اسناد، به ذکر بیوگرافی یا توضیح مختصری از این اشخاص و مکان‌ها اقدام می‌شد.

نویسندگان محترم می‌توانست در کنار یا در مقابل استنساخ اسناد، تصویر اصل نسخه خطی سند را نیز ارائه نماید زیرا خواننده ممکن است نسبت به صحت و سقم اسناد، تردید داشته باشد؛ در صورتی که نویسنده فقط در آخر کتاب، تصویر یازده نسخه خطی را ارائه کرده است.

همچنین در پایان برخی از اسناد استنساخ شده، عبارت «امضاء ناخوانا» آمده، و یا در متن برخی از اسناد، جای بعضی از کلمه‌ها خالی است و یا اشتباه نوشته شده است، در صورتی که اگر نویسنده محترم دقت بیشتری می‌نمود، می‌توانست کلمات و یا امضاهای ناخوانا را به درستی بخواند.

در صفحه ۴۷ مقدمه کتاب، در سند ارائه شده، مطالب سند پشت سرهم دوبار تکرار شده است که نشان از ویراستاری ضعیف و یا اشتباهات فراوان تایپی این اثر دارد؛ چنانکه در سند شماره ۱۳-۶ ایالت تبریز، چند غلط تایپی دیگر نیز مشاهده می‌شود.

نویسندگان به‌کرات به یک موضوع خاص در اسناد ایالات و ولایات مختلف پرداخته است؛ از جمله در اسناد ولایتی مربوط به اردبیل و اهر، چندین بار به شکایت اشرار شاهسون و اعتراض به محبوسین آن‌ها و پاسخ وزارت داخله و مجلس شورای ملی به ایشان اشاره کرده است، در صورتی که می‌توانست از موضوعات مهم دیگری که انجمن‌ها در آن زمینه فعالیت داشته‌اند، استفاده کند.

مقدمه کتاب، سرشار از اشتباهات نحوی و واژگانی می‌باشد و در حد وسیعی، از کلمات عربی و علائم جمع عربی به جای فارسی استفاده شده است. هفت مورد غلط املائی و تایپی در صفحه‌های ۳۷ تا ۴۹ مقدمه، خالی بودن جای برخی کلمه‌ها در مقدمه و اسناد گزیده و استفاده نکردن از ویرگول و سایر علائم سجاوندی در جمله‌بندی برخی از مطالب، از دیگر معایب و نقاط ضعف این اثر می‌باشد که امید است در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف گردد.

نویسندگان محترم در قسمت نمایه‌ها، که مربوط به اعلام، مکان‌ها، سازمان‌ها و نهادها، القاب، احزاب و ... است، حدود نیمی از ارجاعات خود را اشتباه ارائه کرده است؛ به عنوان مثال، در صفحه ۶۰۱ کتاب، از پنج مورد ارجاع مربوط به «شیخ‌الاسلام»، چهار مورد آن اشتباه آمده است.

نویسندگان در مقدمه ۲۸ صفحه‌ای کتاب، که به ذکر فعالیت‌ها، کارکرد، و چگونگی به وجود آمدن انجمن‌های ایالتی و ولایتی پرداخته است، فقط از کتاب *اسناد تاریخی وقایع مشروطه ایران، نامه‌های ظهیرالذول، تألیف سرهنگ جهانگیر قائم‌مقامی*، استفاده کرده است. البته در یک مورد نیز از کتاب *بحران دموکراسی در مجلس اول؛ خاطرات خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی*، تألیف غلامحسین میرزاصالح، استفاده نموده است، در صورتی که اگر از کتب تاریخی مرتبط دیگری همچون *خاطرات احتشام‌السلطنه و...*



استفاده می‌نمود، می‌توانست سطح علمی و کیفی مطالب ارائه شده را ارتقاء دهد و بر غنای اثر خویش بیفزاید.

مؤلف محترم هم در مقدمه و هم در گزیده اسناد، اغلب به کارکرد مثبت انجمن‌های ایالتی و ولایتی اشاره کرده است و به جز در دو یا سه مورد، از جمله دخالت سیاسی انجمن‌ها در امور کشور و نصب عین‌الدوله به حکمرانی تبریز، در بقیه مطالب ارائه شده، به جانبداری از انجمن‌ها پرداخته است، در صورتی که اگر به کتاب‌های *خاطرات احتشام‌السلطنه*، *مقدمات مشروطیت* و *یا بحران مشروطیت در ایران*، رجوع شود، می‌توان به نظرات کاملاً مثبت نویسنده ایراداتی وارد کرد.

انحلال انجمن‌ها و پایان کار آن‌ها از نکات مهمی است که در این اثر هیچ اشاره‌ای به آن نشده است؛ بهتر بود نویسنده در پایان مقدمه یا در قسمت جمع‌بندی حتماً به این موضوع می‌پرداخت.

چنانکه از اسم این اثر، نمایان است، مؤلف محترم، گزیده‌ای از اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در این اثر جمع‌آوری کرده و مشخص نیست که این گزینش بر چه پایه و اصولی صورت گرفته است. اگر نویسنده این گزینش را بر اساس هر نوع ایده‌ای انجام داده باشد، حتی اگر بر اساس اهمیت موضوع باشد، باز نمی‌تواند شیوه‌ای علمی به شمار آید زیرا تشخیص میزان و نوع اهمیت یک سند یا به طور کلی یک مطلب، به عوامل گوناگونی بستگی دارد، از همین رو شایسته به نظر می‌رسد که مؤلف، فهرستی هرچند مختصر از اسناد کنار گذاشته شده را در بخشی از کتاب، ارائه می‌کرد تا پژوهشگران و محققان می‌توانستند با همه اسناد موجود در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، آشنایی اجمالی اما بی‌کم و کاست حاصل کنند.

در پایان می‌توان عنوان کرد که *گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی*، اثری است بدیع و ارزشمند و شایسته تقدیر فراوان؛ نویسنده در این اثر بدیع، برای نخستین بار، گزیده اسناد انجمن‌های ایالات و ولایات را از آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی جمع‌آوری و ارائه کرده است که مطمئناً کمک شایان توجهی به پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

